

# دکتر محمدامین ریاحی

(۱۳۸۸-۱۳۰۲)



راه نجات آذربایجان، ابراز امیدواری کردند که «... بعد از این فاجعه سترگ و درس بزرگ، دولت و ملت ایران با تمام نیروهای مادی و معنوی به حفظ و حراست حقوق مقدس خانمان اجدادی که شاید ارجمندترین و گوهر خیزترین قسمت آن آذربایجان باشد قیام کنند و بیش از هر اسلحه دیگر با اسلحه عدالت اجتماعی و تعادل اقتصادی به آبادی و آزادی میهن مقدس کوشند...» (ص ۷) ولی آنچنان که اقتضای سبکسری‌ها و فراموشکاری‌های روزگار است، تنها گروهی اندک - آن هم بیشتر

آذربایجانی‌هایی که از نزدیک این پدیده شوم را تجربه کرده بودند - این پند را به گوش گرفتند و به جد در این راه کوشیدند. محمدامین ریاحی نیز در زمره آنان بود.

اگرچه فتنه‌جویی‌هایی از این دست، خوشبختانه تا مدت‌ها بعد فرصت سربلندکردن نیافت و محمدامین ریاحی نیز در این اثنی، با یک فراغ بال نسبی - تا جایی که مسئولیت‌های اداری و شغلی اجازه می‌داد - فرصت یافت به علائق ادبی و فرهنگی خود بپردازد، ولی کمتر اثر و نوشته‌ای را از او می‌توان دید که در آن به نحوی از انحاء از این تجربه و درس‌هایی که می‌بایست از آن گرفت، نشانه‌ای در خود نداشته باشد. خواه این تحقیق و تتبعی باشد ادبی چون زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی (۱۳۶۹) و فردوسی: زندگی و اندیشه و شعر او (۱۳۷۵) که در واقع درس وطن‌پرستی است، و یا پژوهشی صرفاً تاریخی چون تاریخ خوی (۱۳۷۲) که سرشار از ایران‌دوستی است.

در یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ ایران، به رغم آگاهی از مخاطرات کار و صرفاً به دلیل مسئولیتی که احساس کرد، وزارت آموزش و پرورش کابینه بختیار را پذیرفت و تا به آخر نیز - تا واپسین مراحل زندگی - با استواری و مناعت طبعی ستودنی، ناملایمات حاصل از آن را به جان خرید. در این دوره و به ویژه از سال‌های بعد از فروپاشی شوروی که فتنه‌جویی‌هایی از آن دست از نو سر باز کرد، حتی الامکان و به رغم آن که دور، دور گشودن سگ و بستن سنگ بود، از پا ننشست.

در سال‌های مقارن با غائله فرقه دموکرات از ترکیب گروهی از آوارگان و پناهندگان آذربایجانی و همچنین تعدادی از چهره‌های

اگرچه دکتر محمدامین ریاحی بیشتر چهره‌ای فرهنگی است و فقدان وی نیز اصولاً یک ضایعه فرهنگی و ادبی ولی این دلبستگی‌های ادبی و فرهنگی فارغ از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نیز نبود؛ دلبستگی‌هایی که از لحاظ تحصیلی و تحقیقاتی با اخذ درجه دکترا ادبیات فارسی زیر نظر بدیع‌الزمان فروزانفر و تصحیح متن مرصادالعباد آغاز شد و با تصحیح مجموعه‌ای از دیگر متون ادبی و همچنین انتشار بررسی‌هایی چون زندگی و اشعار کسایی مروزی یا سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی... دنبال شد و در کنار آن

از لحاظ شغلی با مسئولیت‌هایی چون رایزنی فرهنگی در ترکیه، ریاست بنیاد شاهنامه و همکاری با لغت‌نامه دهخدا... توام گشت. بر یک چنین بنیانی از دلبستگی‌های ادبی و فرهنگی و در ادامه راه تنی چند از دیگر ایران‌دستان آذربایجانی چون سیدحسن تقی‌زاده و رضازاده شفق... بود که محمدامین ریاحی نیز هرگاه عرصه تداوم و میراث عینی این دلبستگی‌ها یعنی تمامیت ارضی و همبستگی ملی ایران را در خطر می‌دید، کنار نمی‌نشست.

در واقع نخستین اثری که از وی منتشر شد در همین جهت بود: در راه نجات آذربایجان. مجموعه‌ای از اشعار گوناگون که در خلال بحران آذربایجان و در رویارویی با فتنه‌جویان آن سامان سروده بود که اندک زمانی بعد از رفع فتنه در زمستان ۱۳۲۵ با مقدمه‌ای به قلم دکتر رضازاده شفق و تفریظی از حسن نزه منتشر شد.<sup>۱</sup> او در پیشگفتاری بر این مجموعه، در توصیف وضعیت پیش آمده، از «کابوس هولناک ترور...» و وحشتی نوشت که در فاصله آذر ۱۳۲۴ تا آذرماه سال بعد «... آذربایجان را فرا گرفته بود، قاطبه آذربایجانی‌ها در یک رنج و مشقت روحی به سر می‌بردند. من نیز که در آذربایجان به دنیا آمده و سال‌ها در دامن مهر و محبتش زیسته‌ام گرفتار این بلا و مصیبت بودم و به قدر وسع در مبارزه با دستگاه خیانت این تجزیه‌طلبان فرومایه شرکت نمودم و افتخار دارم که در این یک سال از وظیفه ایرانیّت خود در نبرد با این آفت ملیّت و استقلال فروگذار نکردم و با قلم ناچیز خود برای معرفی ماهیت این غائله و برداشتن پرده از چهره این دیو فساد و خیانت کوشیدم» (ص ۱۳).

هر چند به محض خاتمه گرفتن غائله آذربایجان بودند بسیاری از رجال و شخصیت‌های مملکتی همانند رضازاده شفق در مقدمه در

# نامه فرهنگستان

## فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

(علمی - پژوهشی)

شماره ۳۸ مجله نامه فرهنگستان (تابستان ۱۳۸۷) منتشر شد.

واژه‌گزینی و برون‌سپاری (غلامعلی حدّاد عادل)؛ حافظ در فاوست گوته (فتح‌الله مجتباتی)؛ طلیعة شعر زهد در زبان فارسی (محمدجعفر یاحقی و مهدی پرهام)؛ رادیکالیسم زبانی در عرصه ترجمه در ایران (علی خزاعی‌فر)؛ مقاله‌نویسی فرمالیستی (علی صلح‌جو)؛ مؤذن خراسانی، شاعر اهل بیت و عارف بزرگ سلسله ذهبیه (با معرفی نسخه‌ای تازه‌یافته از دیوان او و تحلیل اشعار وی) (فیروز مردانی)؛ نخستین واژه‌نامه‌های چینی به فارسی (علی محمد مؤذنی و جان لی مینگ)؛ پدیدارشناسی زمان در شعر حافظ با نظر به آراء قدیس آوگوستینوس درباره زمان (پروین سلاجقه)؛ سکنجیه و زخاریف و دیوان هزل از کیست؟ (مصطفی ذاکری)؛ با مدعی مگوئید یا بگوئید؟ (نگاهی به پنجاه غزل حافظ از روزگار او) (ابوالفضل خطیبی)؛ گاو برمایه، گرز گاوسر و ماه‌پیشانی (بهار مختاریان)؛ نکته‌هایی درباره وزن شعر حماسی فارسی (روبرگوتیو/ ترجمه احمد سمیعی (گیلانی))؛ روبرگوتیو، ایران‌شناس فرانسوی (طهمورث ساجدی)؛ ترکیب در زبان فارسی (۳) (علاءالدین طباطبائی)

تازه‌های نشر:

نشست‌های مشترک اهل ادب و هنر و اندیشه

کتاب: درباره ترجمه صدسال داستان‌نویسی ایران به زبان ترکی استانبولی.  
مقاله: تحلیل انتقادی نگاه نیمایوشیچ به شعر کلاسیک در تبیین الگوی وصفی -  
روائی شعر نو: نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی.  
(با همکاری آزاده جاوش خاتمی، سعید رضوانی، توفیق ه سبجانی،  
احمد سمیعی (گیلانی))

اخبار:

شرح حال و آثار و فعالیت‌های رضا سیدحسینی  
مردی از تبار عشق و حماسه (نگاهی به زندگی و آثار زنده‌یاد محمدامین ریاحی)  
دوازدهمین نشست گروه ادبیات معاصر  
دوره تابستانی آموزش زبان‌های هند و اروپایی در دانشگاه لیدن، هلند  
همایش یک روزه «حضور ایران در جهان باستان»  
همایش «به تمام معنا شاه‌بودن، از اسکندر تا شاهنشاه»  
کیخسرو، شاپور، تعلق‌آباد و شاهنامه در مرکز ساموئل جردن  
دو سخنرانی به زبان فارسی در آمریکا  
همایش علمی نکوداشت احمد سمیعی (گیلانی)

نشانی: تهران، بزرگراه مّقّانی، بعد از ایستگاه مترو.  
مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.  
کد پستی: ۱۵۳۸۶۳۳۲۱۱. صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵  
دو زنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰. تلفن: ۸۸۶۴۲۴۴۸-۸۸۶۴۲۴۳۹  
پیام‌نگار: [farnameh@persianacademy.ir](mailto:farnameh@persianacademy.ir)  
وب‌گاه: [www.persianacademy.ir](http://www.persianacademy.ir)

بهای این شماره: ۱۵۰۰۰ ریال  
بهای اشتراک هر دوره (۴ شماره): ۵۰۰۰۰ ریال  
شماره مساب مجله: ۹۰۰۸۱ بانک ملی ایران،  
شعبه عباس‌آباد غربی، کد ۸۰۳

آذربایجان‌مقیم مرکز، «جمعیت آذربایجان» در تهران پدید آمد که در آن سال‌ها در رویارویی با تحولات ایران گریز زمانه نقش موثری ایفا کردند. در این سال‌ها نیز به رغم گذشت بیش از نیم قرن از آن شور، هنوز شرری بر جای بود و جمعی. محمدامین ریاحی قلب تپنده این جمع بود و دلواپس سپردن تدبیر و تجربه آن سال‌ها به نسل‌های دیگر.

سال‌ها پیش پرویز ناتل خانلری در توصیف وطن‌پرستی بهار و تعهد سیاسی او عباراتی را بر زبان آورد که آن را مصداق حال محمدامین ریاحی نیز می‌توان دانست. او گفت «... برخلاف خیلی‌ها که سعی می‌کنند یا زندگی سیاسی بهار را از زندگی ادبی‌اش جدا کنند یا او را به تلون سیاسی متهم کنند، من یک اعتقاد متفاوت دارم. بهار از زمره ادبا و متفکرانی است که قدرت و قابلیت ادبی خود را در حریم خیالی ادب محض منحصر و محصور نمی‌کند. مثل خیلی از ادبا، شعرا و نویسندگان که جرئت مبارزه میدانی ندارند و لاجرم پشت سنگر تحقیق و علم مطلق قايم می‌شوند، روپنهان نمی‌کند. همعصران مشابه بهار که او را در کار سیاسی تأیید نمی‌کردند و بر هدر رفتن قریحه ادبی او افسون می‌خوردند و دست به دست می‌سایند کم نبودند و اکنون هم کم نیستند... [اما] در تاریخ ایران، ما بسیار داشته‌ایم دبیران و صاحب سخنانی که فکر می‌کرده‌اند به جای گوشه‌نشینی و پای در دامن قناعت کشیدن، اگر وارد میدان عمل دولت بشوند و موثر واقع شوند خدمتشان مؤثرتر و مأجورتر است... [بهار] آخرین ادیب میهن‌پرست ایران بود که قصد نداشت وطنش را وسیله ارتزاق قرار بدهد و به زبان فارسی، تاریخ ایران و مردم ایران عشق می‌ورزید.»<sup>۲</sup>

کاوه بیات

۱. تهران: چاپخانه کارون، اسفندماه ۱۳۲۵.

۲. هوشنگ اتحاد، پژوهشگران معاصر ایران، ج ۱۱، (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸)، صص ۴۴-۴۲.

واژه  
مجله الکترونیک شعر  
[www.vazna.com](http://www.vazna.com)  
[vazna@gmail.com](mailto:vazna@gmail.com)